

# نقش نیروهای ارمنی در دفاع و نبرد تبریز سپتامبر ۱۷۲۴

نوشته: آرمن آیوازیان

تاریخ‌نگار و دانشمند علوم سیاسی

پژوهشگر ارشد «ماتناداران»، مؤسسه تحقیقاتی نسخ خطی باستانی مسروپ ماشوتوس (ایروان، ارمنستان)

در این مقاله، یکی از رویدادهای تاریخی درباره پیشینه همکاری‌های نظامی ایران و ارمنستان، برای نخستین بار، مورد بررسی دقیق و گسترده قرار گرفته است.

خلاصه مقاله به فارسی و انگلیسی:

در سال‌های ۱۷۲۳-۱۷۲۴ میلادی ارتش عثمانی از چند طرف به ایران صفوی لشکرکشی کرد. بخشی از نیروهای عثمانی، در ماه سپتامبر ۱۷۲۴، به فرماندهی کوپرولو عبدالله پاشا اهل وان، به تبریز یورش برد، و قصد تسخیر شهر را داشت؛ نبردی شدید در گرفت، طی آن نیروهای عثمانی به شدت شکست خوردند و با حدود بیست هزار تلفات، از تبریز بیرون رانده شدند. برخی منابع اروپایی، به نقش مهم نیروهای ارمنی در پیروزی قاطع نبرد تبریز اشاره کرده‌اند؛ این، تنها پیروزی ارتش ایران در جنگ‌های سال ۱۷۲۴ میلادی بود. تادئوس کروشینسکی، ژرنوئیت لهستانی، که تا اواسط سال ۱۷۲۵م. در اصفهان به سر می‌برد و به‌خوبی از وقایع سال قبل آگاهی داشت، در این باره نوشته: «هیچ‌کس بیشتر از ارمنی‌ها در شکست دادن تُرک‌ها نقش نداشته‌اند»، و اضافه کرده که در نبرد تبریز «ارمنی‌ها حتی به یک نفر از قشون پنی‌چری‌ها/جان‌نثاران سلطان عثمانی، رحم نکردند». گزارش کروشینسکی را ژان اوتیر و مامی کلیراک تأیید کرده‌اند، و دوساگرتو نیز یک نکته مهم به آن اضافه کرده: «تُرک‌ها فقط زمانی جرأت پیدا کردند تبریز را برای بار دوم (۱۷۲۵م.) محاصره کنند، که شنیدند ارمنی‌ها در دفاع از شهر شرکت نمی‌کنند».

در این مقاله، نیروهای ارمنی که اغلب از قریب‌اوغوز اعزام شده و در نبرد تبریز شرکت کرده‌اند، و فرماندهانشان معرفی شده‌اند: پارسادان‌بیک، ملیک‌یگان، پیلی‌بیک باسوروف، داویت، آبیجان، آقاجان، حق‌نظر، بالیگ و سایرین.

**کلید واژه‌ها:** دفاع از تبریز، سال ۱۷۲۴م، سقناخ‌های ارمنی، قریب‌اوغوز، دیزک، پنی‌چری‌ها/جان‌نثاران سلطان عثمانی، قوللرها، شاه تهماسب دوم، پارسادان‌بیک، ملیک‌یگان، پیلی‌بیک باسوروف

---

## THE ROLE OF ARMENIAN FORCES IN THE DEFENSE OF TABRIZ (SEPTEMBER 1724)

Ayvazyan Armen M.

Doctor of Political Science, "Matenadaran" Mesrop Mashtots Scientific Research Institute of Ancient Manuscripts (Yerevan, RA)

**ABSTRACT.** This study delves into the hitherto unexplored involvement of Armenian troops in the defense of Tabriz in 1724, drawing on an extensive analysis of historical materials. In 1723-1724, the Ottoman Empire launched invasions into Safavid Iran from several directions. By September 1724, one Ottoman army, led by Abdullah Pasha of Van, advanced towards Tabriz and attempted to storm the city. During the ensuing battle, the Turkish forces were soundly defeated and driven back, suffering approximately 20,000 casualties. European sources emphasize the significant role played by Armenian military units in the decisive victory at the Battle of Tabriz, the sole triumph for Persian forces during the 1724 campaign. Notably, the majority of these units arrived from Karabakh. The Armenian troops were instrumental in virtually annihilating the elite Janissary corps within Abdullah Pasha's army. This article identifies the Armenian detachments involved in the defense of Tabriz, listing their commanders: Parsadan-bek, Melik-Egan, Pilibek Basaurov, David, Abidjan, Aghajan, Akhnazar, Balig, among others.

**Key words:** Defense of Tabriz, 1724, Armenian Sagnaks, Karabakh, Dizak, Janissaries, Ghilman (single: ghulam), Tahmasp II, Parsadan-bek, Melik-Yegan, Pilibek Basaurov

در دهه ۱۷۲۰م، در بخش شرقی ارمنستان تحت سلطه صفویان، لشکر نوبنیاد ارمنی، شامل هزاران جنگجو، با هدف استقرار حاکمیت ملی، وارد صحنه تاریخ شد.

سال ۱۷۲۲م، سپاهیان ارمنی به نبرد مستقیم با نیروهای محلی حکومت صفوی برخاستند و در مناطق آرتساخ و سیونیک حاکمیت‌های ملی خودگردان تأسیس کردند. چندی بعد، در سال‌های ۱۷۲۴-۱۷۲۵م، وقتی ارتش عثمانی به ایران صفوی (شامل قفقاز جنوبی) حمله کرد، آرتساخ و سیونیک از مناطق اصلی مقاومت مسلحانه در برابر عثمانی‌ها بودند؛ لشکر تازه‌تأسیس ارمنی، در جنگ علیه تُرک‌های عثمانی با نیروهای شیعه ایرانی متحد شده بود، نیروهایی که در دهه ۱۷۲۰م، زیر پرچم شاه تهماسب دوم (۱۷۳۲-۱۷۲۳م)، آخرین پادشاه صفویان، اغلب در نواحی گنجه، تبریز، گیلان و مازندران، خدمت می‌کردند؛ نواحی مرکزی و پایتخت ایران، اصفهان، از سال ۱۷۲۲م، در تصرف اشغال‌گران افغان بودند.

تنها پیروزی بزرگ نیروهای شاه تهماسب دوم، شکست دادن سپاه عثمانی به فرماندهی کوپرولو عبدالله پاشا اهل وان [۲۶، صفحات ۲۶۳-۲۶۲] و عقب راندن آن‌ها از حصارهای تبریز، در ماه سپتامبر ۱۷۲۴، بود. به گفته برخی منابع اروپایی، در این پیروزی چشم‌گیر، لشکر ارمنی نقشی کلیدی داشت و در نبرد تبریز تلفات سنگینی به عثمانی‌ها وارد کرد، در واقع، لشکر پنی‌چری‌ها/جان‌نثاران سلطان را به کل از بین برد. تادئوس کروشینسکی، ژرئوئیت لهستانی، که تا اوایل ماه ژوئن ۱۷۲۵ در اصفهان به سر می‌برد و به‌خوبی از وقایع سال قبل آگاهی داشت، در این باره نوشته:

«خوشبختانه شاه تهماسب به تازگی به اختلافات داخلی بین نیروهای مختلف طرفدار خود پایان داد و با رفتاری ملایم توانست کسانی را که پیش از آن به خاطر خودخواهی و غرور نابجایش از او منزجر بودند جلب کند، به ویژه ارمنیان مستقر در کوه‌های کاپان، که به او پیوستند و شرایطی ایجاد کردند تا او بتواند نه تنها با موفقیت در برابر تُرک‌ها مقاومت نشان دهد، بلکه استحکامات نظامی آن‌ها را نیز تسخیر کند. این عملیات، با چنان توانی انجام گرفت که به عنوان یکی از باشکوه‌ترین و کامل‌ترین پیروزی‌های ایران از آغاز درگیری‌ها، سال ۱۷۲۲م، ثبت شده. در نبرد تبریز ۲۰۰۰۰ تُرک تلف شدند و نزدیک به همین تعداد هم به اسارت درآمدند» [۲۵، صفحه ۱۴۱].

کروشینسکی، در جایی دیگر می‌نویسد: «در شکست تُرک‌ها، هیچ‌کس بیشتر از آن‌ها (ارمنی‌ها) نقش نداشته»، و اضافه می‌کند که در نبرد تبریز «ارمنی‌ها حتی به یک نفر از قشون پنی‌چری‌ها/جان‌نثاران سلطان عثمانی، رحم نکردند» [۲۵، صفحه ۱۷۸]. دلیل این رفتار بی‌رحمانه نسبت به پنی‌چری‌ها، جنایت‌های خون‌آشام و ددمنشانه قبیله آن‌ها بود که در تاریخ شناخته شده است<sup>۱</sup>. گزارش کروشینسکی را ژان اوتِر و مامی کِراک تأیید کرده‌اند [۲۳، صفحات ۱۶۵-۱۶۴؛ ۲۷، صفحه ۲۳۲]، و دوساگرُدو نیز یک نکته مهم به آن اضافه کرده: «تُرک‌ها فقط زمانی جرأت پیدا کردند تبریز را برای بار دوم (سال ۱۷۲۵م) محاصره کنند، که شنیدند آن‌ها (ارمنی‌ها) در دفاع از شهر شرکت ندارند»<sup>۲</sup>.

خیلی از منابع معتبر، شکست سنگین سپاه عثمانی در تبریز را تأیید کرده‌اند. پس از نفوذ در یکی از محله‌های تبریز، نیروهای عثمانی مورد حمله ناگهانی قرار گرفتند<sup>۳</sup>، و ۴۰۰۰ سرباز عثمانی، «تا آخرین نفر» تلف شدند [۲۶، صفحه ۲۶۳]. این موضوع، همان نابودی قشون پنی‌چری‌ها است، که کروشینسکی در باره‌اش نوشته و طبق آن، سپاه ارمنی نقش کلیدی در آن نبرد داشته. با وجود این، یک واحد دیگر ارتش عثمانی، محاصره را می‌شکند و به اردوگاه صحرایی‌اش، در حصار شهر، عقب نشینی می‌کند. چند روز بعد، نیروهای ایرانی مستقر در تبریز، به فرماندهی مصطفی خان، با یک حمله ناگهانی، عثمانی‌ها را تا خوی<sup>۴</sup> عقب می‌رانند. در نبرد تبریز، مصطفی خان، فرماندهی کل نیروهای ایرانی را بر عهده داشت، و شاه تهماسب دوم در اردبیل در حال جمع‌آوری قوای مکمل برای کمکرسانی به نیروهای مدافع تبریز بود [۲۶، صفحه ۲۶۴-۲۶۳، بن ۲].

۱) ظلم و بیداد و رذالت‌های پنی‌چری‌ها/جان‌نثاران سلطان عثمانی به کرات در منابع تاریخی ثبت شده؛ [۲۲، صفحات ۲۱۳-۲۱۴]. پنی‌چری‌ها همچنین برای تبعیض‌های شدید دینی و ستمگری در مورد مسیحیان، به‌ویژه ارمنیان و یونانی‌ها، معروف بودند. [۲۰، صفحات ۲۴۳-۲۴۴].

۲) رجوع شود به: [۹، صفحه ۹۸؛ ۲۲، صفحات ۳۴۶-۳۴۵]. از اواسط دهه ۱۷۲۰م به بعد، نیروهای نظامی ارمنی سیونیک و آرتساخ، بیش‌تر از بخش‌های متزلزل ارتش صفویان، نزد فرماندهی نیروهای عثمانی اعتبار داشتند. بر اساس اطلاعات موثق تر-اوتیک، سال ۱۷۲۷م، در نزدیکی اردوباد، لشکر عثمانی به گمان این‌که سپاه ایرانی دارد به شهر نزدیک می‌شود، به سمت آن حمله می‌کند، اما بعد از نخستین درگیری، متوجه می‌شود که سپاه ارمنی، و در رأس آن، داویت‌بک، شخصاً، در برابرشان ایستاده، و بی‌درنگ پا به فرار می‌گذارد [۶، صفحه ۱۳۹] و [۵، صفحات ۴۷۳-۴۷۲].

۳) یک چنین فنّ به کارگیری نیروها در داخل شهر و مورد حمله ناگهانی قرار دادن دشمن، در سال ۱۷۲۱م نیز در گنجه، در برابر یورش کوه‌نشینان قفقاز، اجرا شد [۸، صفحه ۲۴].

۴) لاکهارت لارنس، در سال ۱۷۲۴م، درباره عملیات دفاع از تبریز و جزئیات آن نوشته است؛ البته، به شرکت نیروهای ارمنی در این جنگ اشاره‌ای نکرده [۲۶، صفحات ۲۶۴-۲۶۲].

در ادامه این مقاله، نیروهای نظامی ارمنی و فرماندهانشان که احتمال شرکت آن‌ها در نبرد تبریز ۱۷۲۴م بسیار زیاد است، به ترتیب معرفی می‌شوند. ابتدا باید گفت این نیروها نمی‌توانستند از حکومت خودمختار سیونیک (کاپان)، که داویت‌بیک بانی آن بود، آمده باشند، زیرا گزارش‌های مفصل استپانوس شاهومیان، تیر-آوتیک و سایر منابع اطلاعاتی «تاریخ کاپان»، به وضوح چنین اقدامی را در سال ۱۷۲۴م ناممکن می‌دانند. اگرچه این منبع اصلی نهضت آزادی‌بخش سیونیک، چیزی درباره دوران بین ماه سپتامبر ۱۷۲۴ و سال ۱۷۲۵م نمی‌گوید، ولی تلفات سنگین مردم کاپان (فقط از اواخر ماه مارس تا اوایل آوریل، حدود ۵۵۰۰ رزمنده شهید شدند) [۵، صفحات ۵۰۶، ۵۶۰]، و پیش‌روی ارتش عثمانی در سرزمین آارات و نخجوان در طول تابستان، خود به خود، مسئله اعزام نیروهای ارمنی از کاپان به تبریز را منتفی می‌کنند.<sup>۵</sup>

بنابراین، بی‌گمان، رزمندگان ارمنی سیونیک در نبرد تبریز نبوده‌اند، بلکه سپاهیان آرتساخ در این نبرد علیه عثمانی‌ها جنگیده‌اند. کروشینسکی، و در تأیید او، گزارش‌گرهای اروپایی، به اشتباه، جنگ‌ها را به مردم سیونیک (کاپان) نسبت داده‌اند. دلیل اشتباه آن‌ها این است که منطقه کاپان، در سده‌های هفدهم تا هجدهم میلادی، معانی متفاوت و گسترده‌ای داشت و گاهی تمام سرزمین کوهستانی میان دشت‌های کرانه رود کور و رود آرس را در بر می‌گرفت.<sup>۶</sup>

### ۱- سپاه پبلی‌بیک شِریگیلی باسوروف

سال ۱۷۵۴م، پبلی‌بیک شِریگیلی باسوروف، سرهنگ دوم ارتش روسیه، اهل تقلیس، در نامه‌ای به ملکه الیزاوتا/الیزابت روسیه، با اشاره به دو بیانیه‌ای که شاه تهماسب دوم به وی داده بود، از انهدام ارتش هفده هزار نفره عثمانی در «نزدیکی آارات» توسط سپاه ارمنی تحت فرمان‌دهی خودش خبر می‌دهد (۱۷۲۳م)، جایی که سردار عُمَریاشا، فرمانده ارتش عثمانی نیز کشته شد.

به گفته باسوروف، واخْتانگ ششم (۱۶۷۵-۱۷۳۷م) ۷، پادشاه کارثلی، وی را نزد «ارمنیان سِقناخ» فرستاد، و او در جنگ علیه عثمانی‌ها، فرمانده سپاه ارمنی سِقناخ بود. «سِقناخ» یا «سِقناخ‌ها» به قوای ارمنی قره‌باغ گفته می‌شد؛ در نتیجه باسوروف فرماندهی نیروهای ارمنی قره‌باغ را بر عهده داشت. پبلی‌بیک باسوروف، در اسناد و اوراق روسی، همان فیلیپ (Филипп) است که سال ۱۷۲۴م، به عنوان نماینده، پیش شاه تهماسب دوم فرستاده شد. او در ماه مارس ۱۷۲۵، به قره‌باغ برگشت و یک بیانیه تحسین‌آمیز از طرف شاه تهماسب خطاب به فرماندهی قوای ارمنی سِقناخ، و نیز هدایای نفیس، به همراه آورد. در این باره، روز دهم ماه مارس ۱۷۲۵، عیسایی، جاثلیق گاندراسار، و سرداران و ملیک‌های قره‌باغ، به واخْتانگ ششم چنین نوشته‌اند:

«فیلیپ دوباره نزد شاه رفت، [این بار] اسنادی را با خود برد که بین ما و گنجوی‌ها [ماه مارس ۱۷۲۴] امضا شده‌اند، اینک بازگشته و از طرف شاه برای ما یک ردای [با وقار] و یک بیانیه [تحسین‌آمیز] آورده است» [۱۸، سند ۳۱۰، صفحه ۲۳۶].

باسوروف، رابطه معتمد بین واخْتانگ ششم و رهبران سِقناخ بود. در نامه فوق هم‌چنین نوشته شده: «به‌وسیله فیلیپ، اوضاع و احوال خود را به اطلاع اعلیحضرت می‌رسانیم» [۱۸، سند ۳۱۰، صفحه ۲۳۵؛ سند ۳۰۴، صفحات ۲۲۰-۲۲۲]. به این ترتیب، صحت گزارش باسوروف مبنی بر این‌که واخْتانگ ششم وی را به سِقناخ فرستاد، تأیید می‌شود.

بی‌تردید، پبلی‌بیک (فیلیپ) باسوروف، توافق‌نامه امضا شده در ماه مارس ۱۷۲۴ میان سِقناخ‌ها و رهبران مسلمان گنجه را، با مضمون «کمک‌های متقابل» در برابر عثمانی‌ها و متحدان کوهنشین آن‌ها، برای شاه تهماسب دوم برده است.

باسوروف، در روایت خود، شکست ارتش هفده هزار نفره عثمانی را به سال ۱۷۲۳م نسبت داده، اما نکاتی، از جمله زمان و مکان جنگ، و تعداد تلفات عثمانی‌ها، نشان می‌دهند که گزارش وی می‌تواند مربوط به نبرد تبریز در ماه سپتامبر ۱۷۲۴ باشد.

(۵) اگرچه در ماه اوت ۱۷۲۴م، با میانجی‌گری سپهسالار منصور خان، میان ارمنیان مغری و نیروهای شیعه اردوباد صلح برقرار شد، اما خیلی زود، شاه تهماسب دوم دوباره موضعی خصمانه نسبت به حاکمیت داویت‌بیک گرفت [۳، صفحات ۱۰۶-۱۰۷].

(۶) درباره اسم کاپان، رجوع شود به: [۱۰، صفحات ۲۳۸-۲۳۰؛ ۲، صفحات ۱۲۹-۱۲۸].

(۷) در ماه ژوئن ۱۷۲۲م، شاه سلطان حسین به واخْتانگ ششم، به عنوان فرمانده کل قوای ایرانی در جنوب قفقاز و شمال ایران، مقام «سردار آترپاتاکان/آذربایجان» را اعطا کرد. نیروهای ارمنی-گرگی، فرصت را غنیمت شمردند و با اهداف آزادی‌طلبانه، به آماده‌سازی گسترده نیروها اقدام کردند؛ از جمله، بسیاری از فرماندهان مجرب ارمنی که در ارتش گرجستان خدمت می‌کردند، به آرتساخ و به‌ویژه سیونیک اعزام شدند. رجوع شود به: [۴؛ ۵، صفحات ۴۸۹-۴۶۴].

طبق گزارش‌های کروشینسکی و سایر منابع اروپایی، عثمانی‌ها در نبرد تبریز حدود ۲۰۰۰۰ سرباز تلفات داشتند. این رقم به تعدادی که باسوروف ذکر کرده، یعنی تلفات هفده هزار نفره ارتش عثمانی، بسیار نزدیک است. در مورد مکان نبرد، باسوروف، بنا به هر دلیلی، به‌طور تقریبی نوشته: در «نزدیکی آرات»، که به عبارتی، از لشکرکشی ارتش عثمانی به سوی تبریز حکایت دارد. زمان وقوع جنگ را نیز یک سال جلوتر ذکر کرده. باسوروف همین اشتباه را در مورد تاریخ ورود و اختانگ ششم، پادشاه سابق کارثلی (۱۷۲۴-۱۷۱۶م)، به گیلان نیز کرده؛ (همچنین تاریخی که خودش به خدمت ارتش روسیه در آمده). این روی‌داد را او به اشتباه، سال ۱۷۲۵م تاریخ زده، در حالی‌که و اختانگ ششم روز دهم سپتامبر ۱۷۲۶ به گیلان رفته بود [۱۶؛ ۲۱؛ صفحه ۱۰۱]. بدین سان، باسوروف، تاریخ وقایع ۳۰ سال پیش را یا به علت فراموشی، یا عمدی، یک سال جلوتر ذکر کرده. پس از نبرد در «نزدیکی آرات»، باسوروف، به قول خودش، در سال ۱۷۲۴م، با یک جوخه ۵۰ نفره به مازندران، به پیش‌گاه شاه تهماسب دوم رفت، و همان‌طور که گفته شد، تا اوایل سال ۱۷۲۵م (حداکثر تا ماه مارس) آنجا ماند. جالب این‌جا است که فرزند باسوروف، همین روی‌داد را به شکلی دیگر روایت کرده؛ او می‌گوید پس از پیروزی در نبرد، پدرش به دیدار شاه تهماسب دوم به تبریز رفت، نه به مازندران [۱۹، اسناد ۱۶۷ و ۱۶۸، صفحات ۴۰۳، ۴۰۷].

علاوه بر این، آنچه از منابع اولیه برای ما آشنا است، هیچ نبرد دیگری مشابه این، نه در سال ۱۷۲۳م، و نه ۱۷۲۴م، رخ نداده. به نظر می‌رسد باسوروف در گزارش خود، سال ۱۷۵۴م، حقایقی را درباره فعالیت‌های پنهان کرده، و لابد همین باعث شده تاریخ وقوع نبرد را به جای ۱۷۲۴م، ۱۷۲۳م ذکر کند. او نوشته که از پیش شاه یکر است به گیلان رفت تا بعد به قره‌باغ برود، ولی چون منتظر و اختانگ ماند، هیچ‌وقت به قره‌باغ نرفت [۱۹، سند ۱۱۲، صفحه ۲۸۹]. ولیکن، از نامه مذکور که به تاریخ دهم ماه مارس ۱۷۲۴ در قره‌باغ نوشته شده، می‌دانیم که در آن زمان او در قره‌باغ به سر می‌برد و بعید نیست در عملیات انهدام نیروهای مسلح ارتش عثمانی، روز سوم مارس ۱۷۲۵ نیز شرکت کرده باشد. آنچه مسلم است این است که جوخه باسوروف، از بهار ۱۷۲۴م تا اوایل سال ۱۷۲۵م، در ارتش شاه تهماسب دوم بوده. دو بیانیه شاه تهماسب که به پیل‌بیک باسوروف ارائه شده و اینک در دیوان ۸ مرکزی تاریخ نظامی مسکو نگهداری می‌شود، می‌توانند موضوع را روشن‌تر کنند. طبق این اسناد، پیل‌بیک باسوروف، سال ۱۷۲۶م به خدمت ارتش روسیه درآمده و به شرح زیر درجات نظامی گرفته است: در ابتدا، ستوان؛ دو سه سال بعد، سروان؛ سال ۱۷۳۳م، سرگرد؛ سال ۱۷۴۵م، سرهنگ دوم؛ از سال ۱۷۲۶ تا ۱۷۲۸م فرمانده جوخه ۵۰ نفره، و سپس از سال ۱۷۲۸ تا ۱۷۳۵م فرمانده جوخه ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفره بود. او در تاریخ ۱۴ سپتامبر ۱۷۵۶ در گذشت [۱۹، اسناد ۶۴، ۶۷، ۱۱۲، ۱۶۷، ۱۶۸، صفحات ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۹۲-۲۸۸، ۴۰۵، ۴۰۸، ۴۵۰].

## ۲- گردان منتخب ۳۰۰ نفره پارسادان‌بیک

یکی دیگر از نیروهای ارمنی که باید در نبرد تبریز سال ۱۷۲۴م شرکت کرده باشد، گردان ۳۰۰ نفره پارسادان‌بیک بود (شرکت نیروهای باسوروف را در نبرد تبریز نمی‌کند). در مناطق شمالی ایران تحت حکومت شاه تهماسب دوم، از ابتدا، یعنی از سال ۱۷۲۲م، برخی گردان‌ها و فرماندهان نظامی ارمنی خدمت می‌کردند. یکی از آن‌ها پارسادان‌بیک، اهل تفلیس و پدر زن داویت‌بیک، در مقام بلندپایه نظامی گدالی‌بیک (۴) (гедалибек) بود، و به فرماندهی او، یکی از پسرانش، رافائل یا تقی، به عنوان «بیوزباشی ارمنی» در رأس «گردان منتخب» شاه تهماسب، شامل ۳۰۰ «گرگی»، قرار داشت. به گفته آبل، تجسس‌گر ارمنی، گردان مذکور از ۳۰۰ نفر اهل گرجستان و ۲۵ نفر اهل دربند تشکیل شده بود [۱۹، سند ۳، صفحه ۱۰۰]؛ پارسادان‌بیک، خودش هم «گرگی» بود. [۱۹، سند ۳، صفحه ۱۰۱]. در سده‌های هفدهم تا هجدهم میلادی، اغلب به ارمنیان اهل گرجستان لقب «گرگی» می‌دادند. در سپاه داویت‌بیک نیز فرماندهان ارمنی لقب «گرگی» داشتند، مانند «هوانیس گرجی» و «شاهزاده بایندر گرجی»؛ در این مورد، جماعت مختاریست در ونیز- جزیره سن لازارو، از گزارش‌گر خود، تیر-آودیک، توضیحات دقیق خواسته بود، و او نوشته بود: «به این افراد گرجی گویند، چون اهل کشور گرجستانند، ولی در اصل گرجی نیستند، داویت‌بیک و سپاه و فرماندهانش همگی ارمنی‌اند.» [۱۴۳، صفحه ۶].

(۸) به گفته خاچاتوریان هامو، اصل نسخه‌های فارسی با ترجمه روسی در دیوان مزبور نگهداری می‌شوند [۱۷؛ ۱۹، صفحه ۴۵۳، پن ۱۱۷]. با این حال، در شهریور ماه ۱۳۶۹، زمانی که در دیوان مسکو کار می‌کردم، اسنادی با این شمارگذاری یافت نشد. به دلیل محدودیت زمانی، جستجو را ادامه ندادم.

غوگاس سباستاتسی، در جایی دیگر، به همین موضوع اشاره کرده: «داویت‌بیک، ... خودش و هم‌زمانش همه ارمنی‌اند»<sup>۹</sup>. بدین ترتیب، حداقل نصف گردان ۳۰۰ نفره «گرچی»، و شاید هم بیش‌ترشان، ارمنیان گرجستان بودند، که دو نفر از آن‌ها را به اسم می‌دانیم: رافائل و تقی، دو فرزند پارسادان‌بیک [۷، اسناد ۱۱۷، ۱۳۶، ۱۶۳، صفحات ۲۲۴، ۲۴۸، ۲۸۷]. این دو نفر، چندی بعد، جبهه صفویان را برای خدمت به روسیه ترک کردند، و به اصطلاح «اسکادران گرچی» ایجاد کردند؛ در ضمن، بیش‌تر افراد این اسکادران، ارمنیان گرجستان بودند<sup>۱۰</sup>. در هر حال، می‌توان گفت که پارسادان‌بیک و «گردان منتخب» ۳۰۰ نفره او در نبرد تبریز شرکت کرده‌اند. آخرین اطلاعات راجع به پارسادان‌بیک، حاکی از آن است که او در اردبیل وفات یافت و همان‌جا به خاک سپرده شد [۱۹، سند ۷۹، صفحات ۲۳۸-۲۳۷]. او باید در نیمه دوم سال ۱۷۲۴م درگذشته باشد، چون بعید به نظر می‌آید دو فرزند او در زمان حیاتش ارتش ایران را برای پیوستن به ارتش روسیه ترک کرده باشند و با این عهدشکنی، پدرشان را در خطر مرگ قرار دهند.

### ۳- شش فرمانده ارمنی، سران گردان ۵۰۰ نفره شاه تهماسب دوم

در سپاه «قوللرهای منتخب» شاه تهماسب دوم، نام شش فرمانده ارمنی مسیحی (یوزباشی) و گردان ۵۰۰ نفره آن‌ها نیز ذکر شده. «قوللرها» جنگجویان سلطنتی شاهان صفوی بودند، که کم و بیش فقط از میان مسیحیان ارمنی و گرچی به خدمت گرفته می‌شدند<sup>۱۱</sup>، و باید به اسلام تغییر دین می‌دادند. اما همان‌طور که از گزارش زیر معلوم است، در سی سال نخست سده هجدهم میلادی، به‌خصوص در شرایط سنگین جنگی ایران سال‌های ۱۷۲۰م، قانون فوق رعایت نمی‌شد:

«در سپاه ایران، شش یوزباشی مسیحی (فرمانده گردان)، به عنوان قوللرهای شاه تهماسب خدمت می‌کردند. یکی، داویت نام داشت، که به او داوی می‌گفتند؛ دومی، بیک گوری نامیده می‌شد؛ سومی، دون گِگارکونیک، فرزند آثوم، از روستای سُنک، نام اصلی‌اش آبیجان بود؛ [چهارمی]، آقاجان، اهل چاچنی، فرزند آیدین‌بیک؛ [پنجمی]، بالیگ، فرزند کشیش موسس مروای، اهل چاچنی؛ [ششمی]، فرزند توبوز چتایکرنئس، حق‌نظر نام داشت. این شش فرمانده مسیحی، سپاه ۵۰۰ نفره دارند، و نه بیش‌تر» [۱، صفحه ۷۵].<sup>۱۲</sup>

این فرماندهان ارمنی با گردان‌هایشان، که بیش‌تر آن‌ها نیز ارمنی بودند، باید در نبرد تبریز سال ۱۷۲۴م شرکت کرده باشند. یکی، اهل شهر گوری گرجستان؛ دو نفر، از روستای چاچنی در کاپان؛ دیگری، از روستای سُنک در گِگارکونیک تاریخی؛ به عبارتی، حداقل سه تن از این فرماندهان، اهل کاپان-سیونیک محسوب می‌شوند، و گمان می‌رود همین موضوع باعث شده که کروشینسکی، ارمنی‌های شرکت‌کننده در نبرد تبریز را اهل کاپان بنامد.

آبراهام پروانثسی، تاریخ‌نگار ارمنی، جایی دیگر، فرمانده داوی را داویت‌بیک نامیده (با داویت‌بیک، رهبر جنبش سیونیک ۱۷۲۸-۱۷۲۲م اشتباه نشود) و نوشته که چگونه یک شب، او مخفیانه به دیدار شاه تهماسب دوم رفت و درباره اهداف مغرضانه تهماسب قلی‌خان (نادرشاه آینده) به او هشدار داد [۱، صفحه ۶۴]. این گزارش حاکی از آن است که داوی (داویت‌بیک) یکی از یاران نزدیک و مورد اعتماد شاه تهماسب دوم بود.

۹) اطلاعات بیش‌تر در مورد «گرچی» نامیدن ارمنیان اهل گرجستان، در این منابع: [۱۲، صفحه ۲۵، پن ۸۸؛ ۱۳، صفحه ۱۸۴، پن ۲۳۱؛ ۵، صفحه ۴۷۱، پن ۱۱۹۹].

۱۰) [۱۹، صفحات ۸۶، ۳۶۳-۳۷۵، سند ۱۵۳]؛ اگر در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی استفاده از نام «گرچی» در مورد ارمنیان اهل گرجستان، یک امر متداول بود، اکنون اما ندانستن این واقعیت تاریخی، به یقین، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. لاکهارت لارنس، تاریخ‌نگار بریتانیایی، وقتی از هویت ارمنی یک شخصیت جالب به نام هوسپ آبیسالایمیان آگاه شد، تعجب کرد که او خود را «گرچی» نام‌گذاری کرده. این موضوع، و این‌که هوسپ در یکی از نوشته‌هایش نام‌خانودگی خود را حذف کرده بود، در ذهن لارنس لاکهارت ابهاماتی ایجاد می‌کنند و او می‌نویسد: «او (هوسپ آبیسالایمیان) خود را گرچی می‌دانست به احتمال زیاد چون در تقابلی متولد شده بود، ولی معلوم نیست چرا نام خانودگی ارمنی خود را حذف کرده. آیا می‌خواست ادعای گرچی بودنش را ثابت کند؟ در این صورت، باید یک نام خانودگی مناسب بر می‌گزید، اما این کار را نکرده» [۲۶، صفحه ۵۰۸]. مقاله لاکهارت درباره هوسپ آبیسالایمیان: [۲۶، صفحات ۵۱۰-۵۰۴].

۱۱) تعداد نفرات سپاه قوللرها، بین ده تا سی هزار تن بود [۱۱، صفحات ۱۹۱ و ۳۹۱].

۱۲) در نسخه ویرایش شده «تاریخ» آبراهام پروانثسی توسط ماتئوس پوژوکیاشسی، مفهوم «قوللرها» درست تعریف نشده، و ویرایش‌کننده، به اشتباه، به جای قوللرها، «قلی‌خان» نوشته [۱، صفحه ۱۵۴]، یعنی تهماسب قلی‌خان، که بعد، از سال ۱۷۳۶ تا ۱۷۴۷ میلادی، به نام نادرشاه در ایران حکومت کرد.

## ۴- سپاه ملیک‌پگان، حاکم دیزک

یک سند تاریخی، مورخ هفدهم ماه اوت ۱۷۲۳، نظر مثبت شاه تهماسب دوم را نسبت به ارتش ارمنیان قره‌باغ بیان می‌کند ۱۳:

«(تھماسب دوم)، فرزند شاه (یعنی فرزند شاه سلطان حسین، ۱۷۲۲-۱۶۹۴م)، طی یک نامه محبت‌آمیز خطاب به سپاه ارمنی (قره‌باغ)، فرمان داد: «با تمام قوت، علیه نیروهای لژی بجنگید، فقط به ارتش من لطمه نزنید.» [۱۸، سند ۱۸۸، صفحه ۴۴].

محمد کاظم، نویسنده تاریخ نادرشاه (۱۷۴۷-۱۷۳۶م)، با بررسی اوضاع قفقاز جنوبی سال ۱۷۲۳م، جای‌گاهی مهم به ملیک‌پگان، حاکم دیزک (هادروت کنونی)، داده و نوشته که در آن زمان، نیروهای ارمنی، حاکمیت خود را تا رود کور و رود آرس گسترش داده بودند [۱۴، صفحه ۷۶]. همچنین معلوم است که خود شاه تهماسب دوم، به‌طور رسمی، پگان را به عنوان ملیک دیزک برگماشته بود [۱۵، صفحات ۷۶-۷۷].

نظر به این‌که دست‌کم از سال ۱۷۲۳م، کرانه شمالی رود کور تحت فرمان‌روایی سپاه ارمنی دیزک قرار داشت (بجز منطقه مغری)، و سقناخ دیزک، از سایر سقناخ‌های ارمنی قره‌باغ، به تبریز نزدیک‌تر بود، می‌توان نتیجه گرفت که سپاه ملیک‌پگان در نبرد و دفاع تبریز، سال ۱۷۲۴م، شرکت کرده. بدین سان، گمان می‌رود سپاه تحت فرماندهی ملیک‌پگان با سپاه پبلی‌بیک باسوروف، که از طرف سقناخ‌ها نزد شاه تهماسب دوم اعزام شده بود، یکجا گرد آمده و جنگیده‌اند.

۱۳) سال ۱۷۲۳م، پس از لشکرکشی نیروهای عثمانی به ایران، شاه تهماسب دوم، پیوند میان ارمنیان و مسلمانان شیعه را به‌طور آشکار تشویق می‌کرد، به استثنای مواردی که پیروان و همراهان مسلمان او، به خصوص خان نخجوان و سلطان بارگوشات، سرسختانه علیه نیروهای ارمنی سیونیک می‌جنگیدند. در سال ۱۷۲۳م و بهار ۱۷۲۴م، رفتار شاه تهماسب دوم نسبت به حاکمیت داویت‌بیک بی‌نهایت خصمانه بود؛ البته اگر تلاش او را برای انعقاد صلح با ارمنیان مغری، در تابستان ۱۷۲۴م، در نظر نگیریم [۳، صفحات ۱۱۳-۱۰۲].

\*\*\*\*\*

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- پروانسی آبراهام: «تاریخ جنگ‌های ۱۷۳۶-۱۷۲۱ میلادی»؛ مقدمه، متن، پی‌نوشت‌ها، مؤلف: ساهاک چمچمیان، روحانی جماعت مخیتاریست در ونیز، جزیره سن لازارو، ۱۹۷۷م.
- ۲- آیوازیان آرمن: «تاریخ جنبش آزادی‌بخش سیونیک»؛ نشریه تاریخی-فیلولوژی، ۱۹۹۰م، شماره ۲، صفحات ۱۱۹-۱۳۴.
- ۳- آیوازیان آرمن: «وقایع خانات کاپان و نخجوان در سال ۱۷۲۴م»؛ نشریه تاریخی-فیلولوژی، ۱۹۹۱م، شماره ۲، صفحات ۱۱۴-۱۰۲.
- ۴- آیوازیان آرمن: «زمان و شرایط ورود داویت‌بیک به ارمنستان»؛ نشریه تاریخی-فیلولوژی، ۱۹۹۰م، شماره ۳، صفحات ۸۵-۷۶.
- ۵- آیوازیان آرمن: «جمعیت‌شناسی مردم ارمنستان شرقی در سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی، و تعداد نفرات نیروهای نظامی ارمنی در دهه ۱۷۲۰ میلادی»؛ پایگاه خبری «نویان تاپان»، ایروان، ۲۰۲۲م.
- ۶- داویت‌بیک یا «تاریخ کاپان»، مؤلف آرامیان ساموئل، روحانی جماعت مخیتاریست در ونیز، جزیره سن لازارو، ۱۹۷۸م.
- ۷- «دیوان یغیا کارنسی»؛ مقدمه و پی‌نوشت‌ها، مؤلف آبراهامیان آشوت؛ انتشارات «میثک»، ۱۹۶۸م، ایروان.

- ۸- عیسیایی حسن جلالیان: «تاریخ مختصر آغوانک/آلبانیای قفقاز»؛ اورشلیم، ۱۸۶۸م.
- ۹- زلالیان مانوئل: «ارمنستان غربی در سده‌های ۱۸-۱۶ میلادی»؛ انتشارات فرهنگستان علوم ارمنستان، ۱۹۸۰م.
- ۱۰- هوانسیان آشوت: «بخش‌هایی از اندیشه جنبش آزادی‌بخش ارمنی»؛ کتاب دوم؛ انتشارات فرهنگستان علوم ارمنستان، ۱۹۵۹م.
- ۱۱- «اسناد فارسی ماتناداران»؛ سندهای مالکیت؛ جلد یکم (سده‌های ۱۶-۱۴ میلادی)؛ مؤلف پایازیان هاکوب، ۱۹۶۸م، ایروان.
- ۱۲- چوباتیان پاول: «سفرنامه‌های گرجی و اطلاعاتی درباره ارمنیان»؛ انتشارات فرهنگستان علوم ارمنستان، ۱۹۸۱م.
- ۱۳- چوباتیان پاول: «روابط ارمنستان، روسیه، گرجستان، در نیمه دوم سده هفدهم میلادی»؛ اجمیادزین، ۲۰۰۶م.
- ۱۴- پایازیان هاکوب: «همکاری‌های نظامی ارمنستان و ایران ۱۷۳۶-۱۷۲۶م، و اوضاع سیاسی ارمنستان شرقی در دوره نادرشاه»؛ خبرنامه دانشگاه ایروان، ۱۹۷۲م، شماره ۲، صفحات ۷۲-۸۵.
- ۱۵- پایازیان هاکوب: «سنگ‌نوشته‌های ورودی اتاق کار ملیک پیگان»؛ خبرنامه علوم اجتماعی، ۱۹۸۵م، شماره ۵، صفحات ۷۵-۷۸.
- ۱۶- آرشیو سیاست خارجی روسیه؛ روابط روسیه با گرجستان؛ ۱۷۲۶م؛ 226-227, лл. No 1, д. .
- ۱۷- آرشیو تاریخی نظامی دولتی روسیه؛ 962-963, лл. 106, оп. 1/107, ф. .
- ۱۸- هوانسیان آشوت: «روابط ارمنستان و روسیه در سه دهه نخست قرن ۱۸ میلادی»؛ مجموعه اسناد؛ جلد دوم؛ بخش دوم؛ انتشارات فرهنگستان علوم ارمنستان؛ ۱۹۶۷م، ایروان.
- ۱۹- «ارتش ارمنستان در قرن هجدهم میلادی»؛ تاریخ همکاری‌های نظامی ارمنستان و روسیه (مطالعات و اسناد)؛ گرد آورنده خاچاتوریان هامو؛ انتشارات فرهنگستان علوم ارمنستان، ۱۹۶۷م.
- ۲۰- مانزیاک آلکسی (Мандзяк Алексей)؛ «جنگجویان اسلام؛ هنر نظامی و رزمی مسلمانان»؛ مینسک: «خانه کتاب»، ۲۰۰۷م.
- ۲۱- پایچایزده گ.گ. (Пайчадзе Г. Г.)؛ روابط سیاسی روسیه و گرجستان در نیمه نخست قرن هجدهم؛ تفلیس، ۱۹۷۰م.
- ۲۲- شرف‌الدین بن شمس‌الدین بدلیسی، معروف به شرف‌خان؛ ترجمه، پیش‌گفتار، یادداشت؛ توسط واسیلیوایی ی.ای (Е.И.Васильевой)؛ ۱۹۷۶م.
- ۲۳- کلراک لویی-آندره دو لامامی؛ «تاریخ سرزمین پارس از اول این قرن»؛ جلد دوم؛ پاریس، ۱۷۵۰م.
- ۲۴- دو ساگر دو؛ «تاریخ امپراتوری عثمانی»؛ ترجمه از ایتالیایی؛ جلد ۷؛ پاریس، ۱۷۳۲م.
- ۲۵- کروشینسکی تادنوس، ژرژوئیت لهستانی؛ «تاریخ انقلاب‌های اخیر ایران»؛ جلد دوم؛ چاپ دوم؛ لندن، ۱۷۴۰م.
- ۲۶- لاکهارت لارنس؛ «انقراض سلسله صفویه و تصرف ایران توسط افغان‌ها»؛ لندن، مطبوعات دانشگاه کمبریج، ۱۹۵۸م.
- ۲۷- اوتر ژان؛ «سفر به ترکیه و ایران»؛ لشکرکشی تهماسب قلی خان؛ جلد دوم؛ پاریس، ۱۷۴۸م.